



ارائه چارچوبی برای گزارشگری مالی بانکها در ایران با رویکرد بانکداری اسلامی

مرتضی درویشی^۱

رضا نظری^۲

بهمن بنی مهدی^۳

مهدی مرادزاده فرد^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

چکیده

به منظور ارائه چارچوبی برای گزارشگری مالی بانکها در ایران با نظر به ویژگی‌های حاکم بر سیستم بانکی از روش پژوهش کیفی و رویکرد مبتنی بر نظریه پردازی زمینه بنیان استفاده شد. در ابتدا با اخذ نظرات خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری در سیستم بانکی ایران پرداخته شد. در ادامه مدلی شامل شرایط علی، عوامل مداخله‌گر و راهبردهای مربوط به کیفیت گزارشگری و پیامدهای آن ارائه گردید. اصلاح ساختار عملیات نظام بانکی، اصلاح ساختار نظارتی بانک مرکزی، آموزش کارکنان، ایجاد ابزارهای اسلامی جدید، اعمال نظارت شرعی، اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، ایجاد ابزارهای سیاست پولی منطبق با شریعت و پیاده‌سازی ضوابط فقهی به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ساز و عادت، نظریات متفاوت فقهی، سفته‌بازی، صوری بودن فعالیت‌ها، ضعف‌های قانونی، ضعف در نظارت شرعی، هزینه بر بودن، مقوله ربا، تفارق قلمرو مباحث دینی با مباحث علمی و تعارض میان نظریه‌های اقتصاد اسلامی و نظریه‌های متعارف اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای بازدارنده شناخته شد. همچنین بهترین روش برای ارائه بهینه حقوق صاحبان سپرده، دسته‌بندی سپرده‌گذاران در طبقه‌ای جداگانه همانند حقوق صاحبان سهام تشخیص داده شد و به منظور تحقق عدالت و دستیابی سپرده‌گذاران به حقوق حقه، تبعیت این طبقه از تئوری مالکیت عنوان شد. نتایج معنی‌داری در پیاده‌سازی گزارشگری مالی بانکها در ایران با رویکرد بانکداری اسلامی به دست آمده که در صورت پیاده‌سازی مراتب منجر به بهبود عدالت، توزیع مناسب ثروت، بهبود عملکرد، امنیت شغلی، رعایت شرع، ساختار مناسب نظام بانکی، توسعه پایدار اقتصادی و در نهایت اخلاق اسلامی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: چارچوب گزارشگری مالی بانکها در ایران، کیفیت گزارشگری، نظریه پردازی زمینه بنیان.

طبقه بندی JEL: G24, G21

۱- گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Mortezadarvishi2775@gmail.com

۲- گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول) reza239@yahoo.com

۳- گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران dr.banimahd@gmail.com

۴- گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران moradzadehfard@yahoo.com



۱- مقدمه

بررسی بیش از سه دهه تجربه اجرای بانکداری بدون ربا در کشور نشان‌دهنده این مطلب است که وجود برخی چالش‌ها، مشکلات و عدم انطباق‌های شرعی در فعالیت بانکها و مؤسسات مالی کشور، تا حدودی به همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون ربا در ایران با نظام بانکداری ربوی منجر گردیده است (هادوی تهرانی، ۱۳۹۱؛ اکبری‌ان و رفیعی، ۱۳۸۶).

در واقع، می‌توان مدعی بود وضع موجود اجرای بانکداری بدون ربا در نظام بانکی کشور، با الگوی ایده‌آل بانکداری اسلامی که به‌صورت گسترده در ادبیات نظری اقتصاد و مالی اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، فاصله زیادی دارد. با توجه به این مطلب لازم است با اتخاذ تدابیر مقتضی، زمینه اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های مرتبط فراهم و متعاقباً با انعکاس عملیات مورد اشاره با استفاده از ابزار حسابداری، گزارشگری مالی مناسب صورت پذیرد.

در حال حاضر، صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی منطبق با استانداردهای حسابداری حاکم در ایران که تقریباً با استانداردهای بین‌المللی همخوان است تهیه می‌شود لیکن در سنوات اخیر و بنا بر دستورات بانک مرکزی ج.ا.ا. در مقام نهاد ناظر و به‌منظور دستیابی به اهداف استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، کلیه بانک‌های کشور موظف به ارائه صورت‌های مالی مازاد بر صورت‌های مالی اساسی شامل صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری و صورت تغییرات حقوق صاحبان سهام و تهیه صورت جریان وجه نقد در سه طبقه شده اند که به علت عدم تطبیق روش‌های موصوف با استانداردهای حسابداری ایران، مراتب مورد اعتراض سازمان حسابرسی به‌عنوان نهاد مرجع تدوین استانداردهای حسابداری قرار گرفت و به‌تبع آن در گزارش حسابرسی تمامی بانک‌های ایرانی بند شرطی در این خصوص گنجانده شده است.

شایان‌ذکر است یکی از اهداف الزام به ارائه صورت‌های مالی مازاد، حمایت از حقوق سپرده‌گذاران به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع تأمین‌کننده منابع مالی بانک‌ها عنوان شده است. در حال حاضر حدود ۹۹/۸ درصد منابع تأمین مالی بانک‌ها در ایران از طریق سپرده‌گذاران و ۰/۲ درصد از طریق صاحبان سهام تأمین می‌شود.

بنا بر نظر محقق، انجام هرگونه اصلاح اعم از اصلاح در ساختار و یا اصلاح در شیوه گزارشگری، در ابتدا نیازمند شناسایی دقیق چالش‌های نظام بانکداری بدون ربا در کشور می‌باشد. در پژوهش حاضر با استفاده از ظرفیت‌های روش گراند تئوری^۱، نظرات خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی اخذ و عوامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری در سیستم بانکی ایران با رویکرد اسلامی شامل متغیرهای زمینه‌ساز، متغیرهای بازدارنده و عوامل مؤثر، تعیین و سپس نتایج و پیامدهای آن مشخص شده است.

۲- مبانی نظری

برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که زیربنای اقتصاد اسلامی به‌طور کلی متفاوت از زیر بنای اقتصاد غربی است. این تفاوت‌ها میان دیدگاه‌های اسلامی و غربی سبب شده است که برخی حسابداران مسلمان بر این باور باشند که حتی مفهوم حسابداری باید مورد باز تعریف قرار گیرد. از جمله الخدش حسابداری را چنین تعریف می‌نماید:

"حسابداری فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و انتقال اطلاعات مربوط به فعالیت‌های مالی مشروع و مفید در تصمیم‌گیری، محاسبه زکات و محاسبه سود واقعی عملیات سرمایه‌گذاری اسلامی بر مبنای قواعد آن می‌باشد."

همچنین شکل‌گیری این باور که مفروضات زیربنایی نظام‌های حسابداری در بانکداری سنتی که مبتنی بر جهان‌بینی غربی است با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی سازگار نیست و نمی‌تواند نیازهای نظام حسابداری و گزارشگری مالی در کشورهای اسلامی و به‌طور خاص فقه شیعی را رفع نماید، منجر به توسعه پژوهش‌های اسلامی و گزارشگری اسلامی شده است.

از سوی دیگر برخی بر این باورند که اعتقاد به ناسازگاری بین حسابداری سنتی (غربی) و حسابداری اسلامی ممکن است به دلیل برداشت اشتباه از مفروضات زیربنایی حسابداری سنتی باشد. به‌عبارت‌دیگر، دو مفهوم جداگانه "حسابداری غربی" و "حسابداری اسلامی" وجود ندارد بلکه تفاوت در نحوه عمل حسابداری در مناطق مختلف به‌واسطه تفاوت‌های تاریخی، قانونی، دینی و فرهنگی هست. برخی دیگر نیز اعتقاد دارند دو دیدگاه حسابداری سنتی و اسلامی، به‌جای ناسازگار بودن، مکمل یکدیگر هستند.

مروری بر پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام یافته در ایران و سایر کشورهای اسلامی در این حوزه عبارتند از پژوهش مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تاکید بر عقود مشارکتی تهیه شده توسط جعفر باباجانی / جواد شکرخواه منتشره در فصل نامه بورس اوراق و بهادار شماره ۱۷ سال پنجم و پژوهش بررسی اثرات متغیرهای خاص بانکی و کلان اقتصادی بر سودآوری بانکها (مقایسه مکاتب نئوکلاسیک و پست کنزین) تهیه شده توسط خادمی، سید رضا و همکاران (۱۴۰۱)، منتشره در فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۴ / شماره ۵۳ (پیاپی ۵۳) اسفند که به بررسی اثرات متغیرهای خاص و کلان اقتصادی بر سودآوری بانکهای ایرانی پرداخته است.

پژوهش بکارگیری رویکرد دلفی-فازی جهت تعیین عوامل موثر بر سطح مطلوب ریسک، ساختار بهینه سرمایه و کارایی بانک‌های ایرانی تهیه شده توسط سادات سلمانی، میرحمید و همکاران (۱۴۰۰)، منتشره در فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، دی نیز به حداقل سرمایه، حداقل ریسک و حداقل نسبت اهرمی به عنوان موثرترین عوامل در تعیین ساختار بهینه سرمایه اشاره می‌نماید. پژوهش عوامل موثر بر نسبت کفایت سرمایه در نظام بانکداری اسلامی تهیه شده توسط بهرامی زنوز، پریمما و همکاران (۱۴۰۰)، منتشره در فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، خرداد، به بررسی متغیرهای بانکی بر نسبت کفایت سرمایه در بانکهای خصوصی ایران و کشور مالزی پرداخته است.

تعداد پژوهشات داخلی در ارتباط با اجرای ارزش منصفانه، ارتقای شفافیت و عدالت در صورت‌های مالی بانکی محدود بوده و به صورت تخصصی مورد بررسی قرار نگرفته است و بیشتر به چالش‌های عمومی ناکارایی پرداخته شده است؛ از طرفی ویژگی‌های محیطی بانکداری ایران باعث شده است موانع اجرای منصفانه و تدوین عادلانه صورت‌های مالی در صنعت بانکداری ایران ابعاد منحصر به فردی داشته باشد. (بدری و قائمی، ۱۴۰۰)

در پژوهش پیش رو، علاوه بر انجام مطالعات نظری با استفاده از روش نظریه پردازی زمینه بنیان و بررسی بخش قابل ملاحظه‌ای از کتب و مقالات در این زمینه، نظرات ۹۶ نفر از افراد صاحب نظر مورد نظرخواهی قرار گرفته و نارسایی‌های نظام حسابداری مورد استفاده بانک‌ها در مقایسه با بانکداری اسلامی شناسایی گردیده است.

در این پژوهش توجه به نظریه‌های مبتنی بر عدالت و انصاف که موجب شفافیت صورت‌های مالی در بانک می‌گردد از اهمیت بالایی برخوردار است و در مطالعات جهانی این مقوله در قالب ارزش منصفانه مطرح شده است؛ بخشی از مطالعات بین‌المللی و داخلی مطابق جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول شماره یک

موضوع	سال	نویسنده
بررسی پیامدهای به کارگیری ارزش‌های منصفانه در گزارشگری مالی و اثر آن بر شکل‌گیری بحران مالی	۲۰۰۸	SEC United states security & exchange commission
حسابداری ارزش منصفانه برای ابزار مالی: رابطه بین اهرم بانک و ریسک اعتباری	2013	BlankesPoor et. al
هزینه - منفعت حسابداری ارزش منصفانه: شواهد از یک بحران	۲۰۱۴	Bird & Ruchti
قیمت‌گذاری بازار نسبت به ارزش منصفانه دارایی‌های بانکی از زمان بحران مالی ۲۰۰۸	2015	Goh et. al
مربوط بودن ارزش منصفانه: شواهد تجربی از اثرات نوسانات بازار	2015	Song
چالش‌های حسابرسی ارزش‌های منصفانه و سایر برآوردها	۱۳۹۵	سلیمانی امیری و جعفری نسب کرمانی
تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری	۱۳۹۶	کرمی و بیک بشرویه
شناسایی چالش‌های فنی به کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS13	۱۳۹۷	رحمانی و گل محمدی
دیدگاه حسابرسان ایران در خصوص حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه	۱۳۹۸	سلیمانی امیری و محمودخانی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴- سوالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

آیا با تشریح مفاهیم حاکم بر شیوه گزارشگری مالی در بانکهای ایران و بررسی تطبیقی آن با مبانی گزارشگری مالی مؤسسات اسلامی مبتنی بر فقه شیعی و امتزاج منطقی میان مبانی و اهداف آنها، می توان چارچوبی را برای نحوه گزارشگری مالی مؤسسات مالی به ویژه بانکها در ایران از طریق تهیه و تدوین پیش نیازهای آن به شرح زیر ارائه نمود؟

- کشف الگوی مناسب از طریق باز طراحی ساختار عملیاتی سیستم حسابداری و سیستم گزارشگری در نظام بانکی کشور.
- تهیه و تدوین چارچوب نظری مناسب برای گزارشگری مالی در سیستم بانکی با رویکرد اسلامی در ایران.
- وضع استانداردهای حسابداری مناسب برای نظام بانکداری اسلامی در ایران.

۵- پیش فرض های پژوهش

به لحاظ روش شناختی، هر پژوهشی در جهت پاسخ گویی به سؤالاتی که مطرح می کند، مفاهیم و موضوعات گوناگونی را به عنوان پیش فرض در نظر می گیرد. این پیش فرضها که صریح یا ضمنی اند، توسط پژوهشگر پذیرفته و از بحث در مورد آنها خودداری می شود. در همین رابطه تعریفی که از بانکداری و مالی اسلامی ارائه می شود و همچنین مبانی و اصول بنیادین مورد بحث، همگی بر چند پیش فرض اساسی به شرح زیر استوار یافته اند.

(۱) عقل و تجربه به عنوان یکی از منابع معرفت در تولید علم دینی

(۲) نخستین پیش فرض اصلی این است که در اسلام، علاوه بر کتاب و سنت (نقل)، عقل و تجربه نیز به عنوان یکی از منابع معرفت مورد تأیید است.

(۳) وجود رابطه تعاضدی بین علم و دین

در زمینه رابطه معارف اسلامی و دانش اقتصاد و بانکداری متعارف، سه دیدگاه مطرح است (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص. ۳۱). این دیدگاهها عبارت است از تفارق، تعارض، و تعاضد. براساس دیدگاه اول (تفارق)، قلمرو مباحث دینی با قلمرو مباحث علمی متفاوت است. دین به تبیین «آنچه باید» یا «ماینبگی» می پردازد و در کنار آن، علم «آنچه هست» یا «مایکون» را توضیح می دهد. براساس این دیدگاه، منظور از اقتصاد اسلامی مکتب اقتصادی مطلوب اسلام است.

اما در دیدگاه دوم (تعارض)، تعالیم علوم انسانی متعارف و تعالیم دینی با یکدیگر تعارض و منافات کامل دارند. ثمره و نتیجه این دیدگاه اثبات تعارض جدی میان نظریه های اقتصاد اسلامی و نظریه های متعارف اقتصادی است. بر این مبنا، بسیاری از نظریه های پایه ای علم اقتصاد و مالی به جهت تأکیدی که بر مفاهیمی نظیر نفع شخصی، مطلوبیت گرایی، حداکثر گرایی، حاکمیت مصرف کننده و بهره دارند، در تعارض جدی با نظریه های اقتصاد و بانکداری اسلامی قرار دارد و لذا امکان تعامل با آنها به هیچ وجه وجود ندارد. اما دیدگاه تعاضدی که دیدگاه پیش فرض در این پژوهش است، بدان معناست که رابطه اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد متعارف به طور عام (و بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف به طور خاص)، به صورت تعاضد و تعاون تعریف می شود.

تعریف اقتصاد و بانکداری اسلامی در سه سطح مکتب، نظام، و علم

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های اصلی این پژوهش آن است که اقتصاد اسلامی در سه سطح مکتب، نظام و علم قابل‌تعریف و تحقق است. عمده‌ترین تفاوت میان مکتب و نظام اقتصادی اسلام آن است که مکتب اقتصادی اسلام کاملاً وابسته به شریعت اسلام است. وظیفه نظریه‌پرداز در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام معرفی مقاصد شریعت و نظام مطلوب زندگی اقتصادی است.

بنابراین، نظریه‌های مربوط به مکتب اقتصادی اسلام کاملاً از طریق «روش اجتهادی» کشف می‌شود. در این دیدگاه، فروض مبنایی و روابط رفتاری الگوی مطلوب اقتصاد اسلامی صرفاً متکی به شریعت اسلام و مقاصد شارع است و شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی در استنباط حکم اثری ندارد.

در مقابل، نظریه‌های مربوط به «نظام اقتصاد اسلامی» اگرچه به مبانی مکتبی وابستگی دارد، کاملاً مرتبط با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی (و لذا قابل‌تغییر) است. از این رو، دغدغه اصلی نظریه‌پردازان اقتصاد و بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام استفاده از بهترین روش‌ها برای تغییر وضع موجود در جهت نیل به وضع مطلوب اقتصادی در چارچوب تفکرات مکتبی است. (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص. ۲۳).

در نهایت، ویژگی نظریات مربوط به علم اقتصاد و بانکداری اسلامی آن است که در چارچوب مکتب و نظام اقتصادی اسلام به استخراج گزاره‌های علمی (به معنای متعارف) می‌پردازد. در واقع، به استخراج گزاره‌های علمی و معلولی مشخصی در عرصه اقتصادی می‌پردازند که به نحوی با تعالیم اسلامی رابطه دارند. (آقا نظری، ۱۳۸۵، ص. ۴۵).

۶- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی بوده و از روش نظریه داده‌بنیاد به‌عنوان روش پژوهش استفاده شده است. در این روش مطالعه اسناد بالادستی و انجام مصاحبه‌های عمیق و باز با نخبگان به‌منظور گردآوری داده‌ها صورت پذیرفته است.

پژوهش کیفی مورد اشاره، فرایند پیچیده‌ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتاً طولانی بوده و داده‌ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می‌شوند (دانایی‌فر و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۴).

به بیان دیگر، در این روش پژوهش، پژوهشگر در ابتدا نسبت به استخراج کدهای اولیه یا خام از مصاحبه‌های عمیق و باز اقدام و در مرحله بعد، چند کد اولیه را به یک کد تبدیل و آن، کد ثانویه نامیده شده است. مجدداً چند کد ثانویه با "مفهوم یکسان" به یک کد مفهومی تبدیل و پس از آن چند کد "مفهومی یکسان" به یک مقوله تبدیل و در پایان چند مقوله مشترک به یک طبقه اصلی تبدیل شده است. بنا بر نظر کرسول (۲۰۰۵)، یک نظریه‌پرداز زمینه بنیان، می‌تواند نظریه خود را به سه شیوه "نمودار"، "تشریحی" و روایت یک داستان" و یا به صورت "مجموعه‌ای از گزاره‌ها" ارائه نماید.

۶-۱- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متخصص و خبره در زمینه گزارشگری مالی هستند که به روش گلوله برفی 1 (ارجاع زنجیره‌ای) انتخاب شده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات، شامل مطالعه اسناد بالادستی شامل قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی، قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون الحاق دو تبصره به ماده پانزده اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا، لایحه قانونی اداره امور بانکها و متمم آن، قانون بانکی و پولی کشور (۱۳۳۹)، قانون تجارت) و مصاحبه عمیق و باز است. در این روش ابتدا سؤالات طراحی شده از طریق مصاحبه، از افراد متخصص مورد پرسش قرار گرفته و سپس مطالب جمع‌آوری و جمع‌بندی شده‌اند و متعاقباً در صورت عدم دستیابی به اجماع آراء، مجدداً نسبت به مصاحبه‌های بعدی و جمع‌آوری مطالب اقدام شده است ضمناً این رویه، تا دستیابی به نتیجه مطلوب ادامه یافته است. در نظریه‌پردازی زمینه بنیان، الگوی جمع‌آوری داده‌ها متفاوت است. در این روش فعالیت جمع‌آوری^۲ و تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان صورت می‌پذیرد. این روش نیازمند سؤال‌هایی است که از انعطاف‌پذیری و آزادی لازم برای بررسی پدیده موردنظر برخوردار باشد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸) بنابراین مصاحبه‌ها، ساختارناپافته بوده و با رویکرد اکتشافی هدایت می‌شوند. در این پژوهش تعداد ۹۶ نفر از مدیران و کارشناسان رشته های مالی با دانش بانکی انتخاب و و ویژگی‌های مشارکت کنندگان در پژوهش به شرح جدول شماره ۲ قابل ارائه می‌باشد.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های مشارکت کنندگان در پژوهش

جمع	مولفه ها				
	جنسیت	مذکر	مونث	مدرک	تخصص
۹۶	(درصد فراوانی)	۹۳	۳	دکتری	اقتصاد
۹۶	(درصد فراوانی)	۲۲	۷۴	کارشناسی ارشد	مدیریت
۹۶	(درصد فراوانی)	۶۹	۶	حسابداری	بانکداری
	سابقه کار مرتبط با گزارشگری مالی	بانکی	غیربانکی		
	(میانگین - سال)	۲۱/۳	۲۴/۴		
۹۶	تخصص و تجارب حرفه‌ای	بانکداری	حسابداری	حسابرسی	
۹۶	درصد	۱۴	۱۸	۶۴	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

1- Snow Ball

2 -Note-taking @ memo - writing

۲-۶- روش نمونه‌گیری

نظریه‌پردازی زمینه بنیان مانند انواع دیگر پژوهش‌های کیفی، متکی بر تصورات معرف بودن نمونه آماری برای تعمیم‌پذیری داده‌ها و اصالت یافته‌ها نیست و عموماً نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب می‌شوند. (اسپرینگر، ۲۰۱۰). در طی فرایند تحلیل و ارائه نظریه، فرایند "نمونه‌گیری نظری" به کار گرفته شده است. نمونه‌گیری یادشده در برگیرنده جمع‌آوری داده‌ها، به صورت مداوم برای خلق نظریه است.

در این روش، تحلیل‌های قبلی بر نحوه تصمیم‌گیری در مورد این که چه داده‌هایی باید جمع‌آوری شوند اثر می‌گذارد. در این راستا باتوجه به هدف پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه استفاده می‌شود. نمونه‌گیری گلوله برفی یعنی انتخاب شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌نماید. به بیان دیگر در مصاحبه ابتدا تعدادی از اشخاص صاحب‌نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع انتخاب می‌شوند و در پایان مصاحبه از آنها درخواست می‌شود که سایر افراد مطلع و صاحب نظر در خصوص موضوع پژوهش را معرفی نمایند. بر اساس روش مذکور در نهایت اجماع داده‌ها صورت می‌پذیرد.

۳-۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

نظریه‌پردازی زمینه بنیان که مبتنی بر روش داده بنیان است شامل پنج مرحله به شرح ذیل هست.

- ۱) تدوین پرسش‌های پژوهش
- ۲) گردآوری داده‌ها به همراه تحلیل تا مرحله اشباع.
- ۳) کدگذاری داده‌ها در سه مرحله (یافتن مفاهیم در داده‌ها)
- ۴) یادداشت‌برداری
- ۵) نگارش و تدوین تئوری.
- ۶) در نظریه زمینه بنیان، یافتن مفاهیم در داده‌ها از طریق سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت می‌پذیرد.

۱-۳-۶- گام اول: کدگذاری باز^۱

این مرحله از روش نظریه داده بنیان بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌ها می‌نماید و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌نماید. در مرحله کشف طبقه‌ها، مفاهیم بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی (تم‌سازی) می‌شوند به طور کلی - کدگذاری باز فرایندی است که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند و هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌هاست.

1- Open Coding

۲-۳-۶- گام دوم: کدگذاری محوری^۱

- در این مرحله پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به‌عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد کاوش قرار می‌دهد و ارتباط سایر طبقات را با آن مشخص می‌نماید (استراوس، ۲۰۰۸)
- **شرایط علی^۲**: مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایی که مقوله اصلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.
 - **راهبردها^۳**: بیانگر رفتارها، واقعیات و تعاملات هدف داری هستند که تحت‌تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند.
 - **بستر حاکم^۴**: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند بسترگفته می‌شود و تمیز آنها از شرایط علی مشکل است. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند.
 - **شرایط مداخله‌گر^۵**: شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌نمایند.
 - **پیامدها^۶**: برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند.

۳-۳-۶- گام سوم: کدگذاری انتخابی^۷

- روند انتخاب مقوله اصلی شامل چند گام به شرح زیر می‌باشد. (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۹)
- توضیح خط اصلی داستان
 - ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله اصلی با استفاده از مدل محوری پارادایم
 - مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر
 - به تأیید رساندن روابط در قالب داده‌ها
 - تکمیل مقولاتی که نیازمند اصلاح و یا بسط و گسترش هستند.

۴-۶- نحوه ارزیابی و اعتباربخشی مدل (روایی و پایایی داده‌ها)

۱-۴-۶- روایی

"روایی" پاسخ به این سؤال است که آیا چیزی که پژوهشگر در حال مشاهده و بررسی آن است، همان چیزی است که او در حال سنجیدن و اندازه‌گیری آن است؟ در پژوهش حاضر برای بررسی روایی پژوهش، یافته‌های پژوهش را به مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آنها مطالعه و دیدگاه‌هایشان اعمال گردید.

1- Axial Coding
2 - Casual Conditions
3 - Actions & Interactions
4 - Context
5 - Intervening Conditions
6 - Consequences
7- Selective Coding

۲-۴-۶- پایایی

"پایایی" به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان‌دادن پایایی، زمانی است که محقق دیگری بتواند مسیر تصمیم به کاررفته توسط محقق اصلی را به روشنی و وضوح پیگیری نماید و سازگاری مطالعه را نشان دهد؛ بنابراین محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان‌دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قراردادن تمامی داده‌های خام، داده‌های تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرایند مطالعه، اهداف اولیه و سوال‌ها در اختیار اساتید راهنما و مشاور، محقق نموده است.

درصد توافق درون موضوعی	*۲ تعداد توافقات تعداد کل کدها
------------------------	-----------------------------------

علاوه بر این روش، توافق درون موضوعی نیز برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شده است. در این روش، کدگذار (ارزیاب) دیگری به‌عنوان همکار پژوهشگر (کدگذار) انتخاب شد و کدهایی که در نظر دو نفر "مشابه" بودند به‌عنوان "توافق" و کدهای "غیرمشابه" با عنوان "عدم توافق" مشخص گردیدند. درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی به کار می‌رود از طریق فرمول ذیل قابل محاسبه هست.

۱-۲-۴-۶- محاسبه پایایی باز آزمون

برای محاسبه پایایی باز آزمون، معمولاً از میان مصاحبه‌های انجام‌گرفته، چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شود. هر یک از مصاحبه‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخصی دوبار کدگذاری شده؛ سپس کدهای مشخص شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این روش برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر یک از مصاحبه‌ها، کدهایی که در فاصله زمانی مشابه یکدیگرند، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌گردند.

در پژوهش حاضر چهار مصاحبه از میان مصاحبه‌ها انتخاب شد و یکی از پژوهشگران در فاصله ۱۵ روز آن را کدگذاری نمودند که نتایج این کدگذاری به شرح جدول شماره ۳ درج شده است.

جدول شماره ۳: پایایی باز آزمون

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	تعداد عدم توافق	پایایی باز آزمون
۱	۷	۲۸	۱۲	۴	٪۸۵
۲	۹	۱۰	۴	۴	٪۸۰
۳	۱۰	۱۱	۵	۵	٪۹۰
۴	۱۵	۱۸	۸	۴	٪۸۸
	جمع	۶۷	۲۹	۱۷	٪۸۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تعداد ۶۷ کد در چهار مصاحبه در فاصله زمانی ۱۵ روز بررسی و با عنایت به ۲۹ توافق و ۱۷ عدم توافق، پایایی مصاحبه ۸۶ درصد (بیشتر از ۶۰ درصد) به دست آمد، در نتیجه قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید گردید.

در ادامه و برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی دکتری حسابداری درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت نماید. سپس تعداد ۳ مصاحبه کدگذاری و درصد توافق درون موضوعی به منزله شاخص ارزیابی پایایی تحلیل، در جدول زیر درج شده است.

جدول شماره ۴: پایایی دو کدگذار

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	تعداد عدم توافق	پایایی باز آزمون
۱	۲	۲۴	۱۰	۱	٪۸۳
۲	۱۲	۱۵	۷	۳	٪۹۳
۳	۱۷	۲۲	۹	۲	٪۸۱
	جمع	۶۱	۲۶	۶	٪۸۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تعداد کل کدهایی که محقق به ثبت رسانده است برابر ۶۱، تعداد کل توافق بین این کدها ۲۶ و تعداد کل عدم توافق بین این کدها، برابر ۶ است. همچنین، پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش، با استفاده از رابطه یادشده، ۸۵ درصد به دست آمد. باتوجه‌به اینکه این میزان پایایی، بیشتر از ۶۰ درصد است (کواله، ۱۹۹۶)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها به تأیید می‌رسد و می‌توان ادعا کرد که مصاحبه، از پایایی خوبی برخوردار است.

۷- نتایج تحلیل داده‌ها

بنا بر نظر کرسول، یک نظریه‌پرداز زمینه بنیان می‌تواند نظریه خود را به سه شیوه نمودار، تشریحی، روایت داستان و یا به‌صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها ارائه نماید. (کرسول، ۲۰۰۵) در این پژوهش ابتدا مراتب از طریق نمودار و سپس به‌صورت روایت تشریح گردید.

طبقات اصلی پژوهش که بر اساس شیوه کدگذاری استخراج شده است و معرف رفتار و شرایط خاصی هستند شامل گروه‌های اصلی به شرح طبقه‌های شرایط علی، راهبردها، بسترحاکم، شرایط مداخله‌گر و پیامدها می‌باشند. در "طبقه شرایط علی"، مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایی که مقوله اصلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و در "طبقه راهبردها"، رفتارها، واقعیات و تعاملات هدف داری که تحت‌تأثیر شرایط مداخله‌گر و بسترحاکم حاصل می‌شوند و در "طبقه بسترحاکم" به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند و تمیز آنها از شرایط علی

مشکل هست و در "طبقه شرایط مداخله‌گر"، شرایط ساختاری که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌نماید و در "طبقه پیامدها"، نتایج و پیامدهایی که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند منعکس می‌باشند. براین اساس پژوهش حاضر بر مبنای روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) و با نظر به مشاهدات، گفت و شنودها، مصاحبه‌ها، اسناد و مدارک، خاطرات پاسخ‌دهندگان و تأملات شخصی پژوهشگر، منجر به شناسایی متغیرهای زمینه‌ساز و متغیرهای بازدارنده‌ای به همراه نتایج و پیامدها و عوامل مؤثر بر "گزارشگری مالی مناسب در بانک‌های ایران با رویکرد اسلامی" به شرح زیر گردید.

۱- متغیرهای زمینه‌ساز (بستر حاکم):

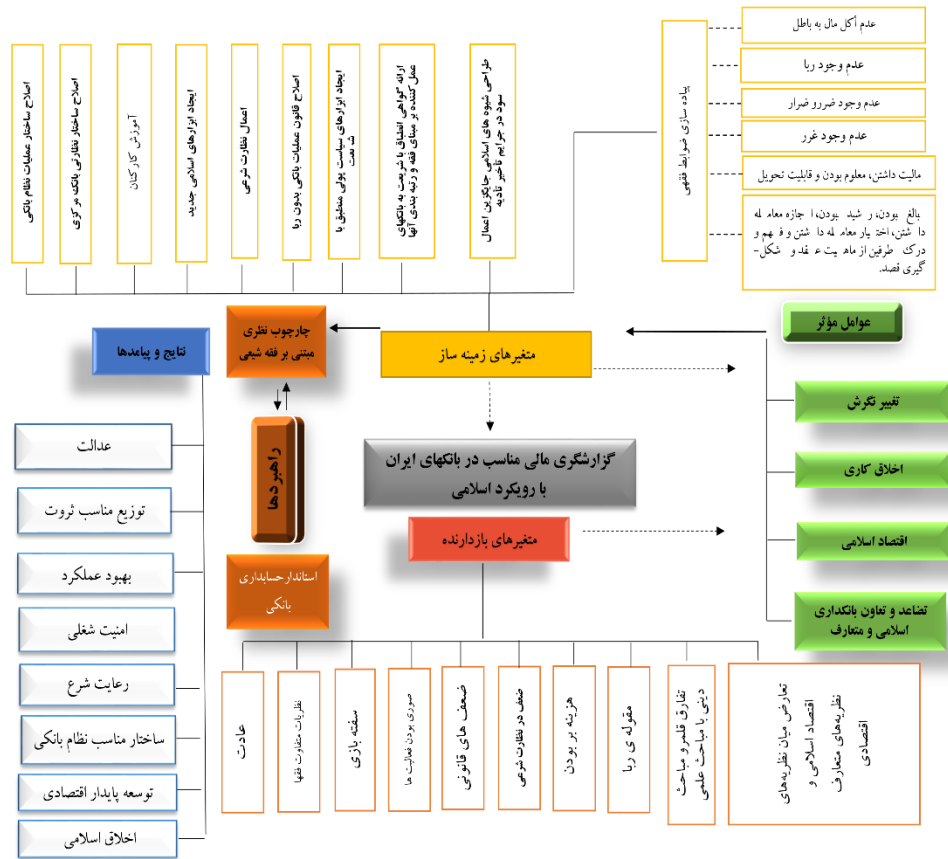
- ۱-۱- اصلاح ساختار عملیات نظام بانکی
- ۲-۱- اصلاح ساختار نظارتی بانک مرکزی
- ۳-۱- آموزش کارکنان
- ۴-۱- ایجاد ابزارهای اسلامی جدید
- ۵-۱- اعمال نظارت شرعی
- ۶-۱- اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا
- ۷-۱- ایجاد ابزارهای سیاست پولی منطبق با شریعت
- ۸-۱- ارائه گواهی انطباق با شریعت به بانک‌های عمل‌کننده بر مبنای فقه و رتبه‌بندی آنها
- ۹-۱- طراحی شیوه‌های اسلامی جایگزین اعمال سود در جرایم تأخیر تأدیه
- ۱۰-۱- پیاده‌سازی ضوابط فقهی
- ۱-۱۰-۱- عدم وجود ربا
- ۲-۱۰-۱- عدم وجود غرر
- ۳-۱۰-۱- عدم وجود ضرر
- ۴-۱۰-۱- عدم اکل مال به باطل
- ۵-۱۰-۱- مالیت داشتن، معلوم بودن و قابلیت تحویل کالا
- ۶-۱۰-۱- بالغ بودن، رشید بودن، اجازه معامله داشتن، اختیار معامله داشتن و فهم و درک طرفین از ماهیت عقد و شکل‌گیری قصد.

- ۱۱-۱- اصلاح ساختار نظام ارزش‌گذاری دارایی‌ها و بدهی‌ها در کشور.

۲- متغیرهای بازدارنده (مداخله‌گر):

- ۱-۲- عادت
- ۲-۲- نظریات متفاوت فقها
- ۳-۲- سفته‌بازی
- ۴-۲- صوری بودن فعالیت‌ها
- ۵-۲- ضعف‌های قانونی

- ۲-۶- ضعف در نظارت
- ۲-۸- هزینه بر بودن پیاده‌سازی بانکداری اسلامی
- ۲-۹- جذابیت و ساده بودن مقوله ربا
- ۲-۱۰- تفارق قلمرو مباحث دینی با مباحث علمی
- ۲-۱۱- تعارض میان نظریه‌های اقتصاد اسلامی و نظریه‌های متعارف اقتصادی
- ۳- عوامل مؤثر (شرایط علی):
 - ۳-۱- تغییر نگرش
 - ۳-۲- اخلاق کاری
 - ۳-۳- فراهم نمودن بستر به‌منظور ایجاد اقتصاد اسلامی
 - ۳-۴- تضاعد و تعاون بانکداری اسلامی و متعارف
- ۴- راهبردها (استراتژی):
 - ۴-۱- تدوین چارچوب نظری مبتنی بر فقه شیعی
 - ۴-۲- تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری بانکی با رویکرد اسلامی
- ۵- نتایج و پیامدها:
 - ۵-۱- عدالت
 - ۵-۲- توزیع مناسب ثروت
 - ۵-۳- بهبود عملکرد
 - ۵-۴- رعایت شریعت
 - ۵-۵- بهبود ساختار نظام بانکی
 - ۵-۶- توسعه پایدار اقتصادی
 - ۵-۷- اخلاق اسلامی



منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه گیری و بحث

وجود مجموعه‌ای پیوسته از "اهداف" و "مبانی" مرتبط که بتواند ماهیت، نحوه عمل و حدود گزارشگری مالی را در حوزه‌های اهداف صورت‌های مالی، خصوصیات کیفی اطلاعات مالی، عناصر صورت‌های مالی، نحوه شناخت، چگونگی اندازه‌گیری و در نهایت نحوه ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی را تعیین و مشخص نماید امری ضروری است.

در این راستا نهادهای بین‌المللی با تهیه و تدوین چارچوب نظری گزارشگری مالی به‌مثابه قانون پایه نسبت به پوشش تمامی اهداف پیش‌گفته اقدام و استانداردهای حسابداری را فارغ از صنعت مربوطه بر مبنای اصولی واحد پایه‌ریزی و به‌عنوان مجموعه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری ابلاغ نموده‌اند.

به استناد نتایج پژوهش؛ الزامات مورد اشاره در برخی از موارد با ادبیات نظری اقتصاد و مالی اسلامی که در پی تحقق حق و عدالت می باشد منطبق نبوده و در بررسی تطبیقی استانداردهای حسابداری موجود در مقایسه با نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر فقه شیعی موارد افتراقی به شرح زیر مشاهده گردید:

۱- در صنعت بانکداری ایران مبتنی بر قانون بانکداری بدون ربا، منابع مشتریان نزد سیستم بانکی به بانک تعلق نداشته و به صورت امانت نزد بانک است و متعاقباً منافع حاصله (وجوه دریافتی از مشتریان در قالب تسهیلات عقود اسلامی و سایر درآمدهای مشاع)، تماماً به مشتریان تعلق دارد. در این رویه مؤسسات مالی صرفاً می توانند نسبت به برداشت حق الوکاله متعلقه بر اساس قوانین و قواعد حاکم اقدام نموده و اجازه هیچ گونه دخل و تصرف دیگری را نخواهد داشت.

۱-۱- حدود ۹۹/۸ درصد از منابعی که بانکها دریافت می نمایند منابع وکالتی (حسابهای سرمایه گذاری) است که بر مبنای عقد وکالت شکل می گیرند؛ به بیان ساده تر، سپرده گذاران سرمایه های نقدی خود را در اختیار بانکها قرار می دهند تا بانکها به وکالت از طرف آنان از طریق عقود مبادله ای (مانند بیع نسبه، اجاره، جعاله، بیع سلف، و بیع دین) به فعالیت های تجاری بپردازد و یا از طریق عقود مشارکتی (مانند مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، و مضاربه)، در طرحها و فعالیت های اقتصادی سرمایه گذاری نمایند براین اساس بانکها موظفاند در پایان سال مالی، منافع مکتسبه را بعد از کسر حق الوکاله متعلقه، بین سپرده گذاران تقسیم نمایند.

۱-۲- در حال حاضر هدف از ارائه صورت های مالی که شامل ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده از وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید است، برآورد نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان (عمدتاً صاحبان سهام) می باشد (حدود ۰.۲ درصد) در حالی که به استناد مفاهیم تعریف شده در بند نخست، تأمین انتظارات سپرده گذاران به عنوان تأثیرگذارترین عنصر صورت های مالی مهم و نیازمند توجه ویژه می باشد.

۲- اطلاق واژه بدهی در تعاریف عناصر صورت های مالی، به سپرده های مشتریان از جنبه محتوایی و عملیاتی، فاقد وجاهت لازم در تطبیق با قواعد اسلامی بوده و نیازمند بازنگری در تعاریف موجود مطابق با تعهدات بانک در مقام وکیل نسبت به موضوع وکالت می باشد.

۱-۲- در این رابطه آیا می بایست به مشتریان به عنوان یک طلبکار نگریست و آنها را در بخش بدهی طبقه بندی نمود و یا با آنها رفتاری همانند صاحبان سهام داشت.

۲-۲- در بخش عناصر صورت های مالی نیز به منظور دستیابی به اهداف استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (دستیابی سپرده گذاران به حقوق کامل)، آیا عناصری شفاف منطبق با استانداردهای حسابداری موجود است؟

شایان ذکر است در بخش عناصر صورت های مالی تفاوت های معناداری وجود داشته و بر مبنای چارچوب مفهومی حاکم، ارائه عناصری به منظور تشریح عملکرد ناشی از منابع وکالتی (منابع مشتریان) و منابع اصلتی (منابع صاحبان سهام) به طور مجزا مورد نیاز می باشد.

بنابراین یکی از اهداف گزارشگری بر مبنای شریعت، تعبیه سازوکاری عادلانه و منصفانه، به منظور پرداخت سود ناشی از منابع وکالتی به همراه سود ناشی از افزایش در ارزش دارایی‌ها (تحصیل شده توسط منابع وکالتی) به هر یک از سپرده‌گذاران بانک هست. براین اساس آیا می‌توان با ایجاد ساختار و یا شیوه عمل متفاوت، صاحبان سپرده را از حقوقی یکسان همچون حقوق صاحبان سهام بهره‌مند نمود؟

۳- در بخش اندازه‌گیری؛ تعیین خالص دارایی‌های مؤسسه مالی به ارزش روز به منظور تعیین ارزش واقعی وجوه دریافت شده از مشتریان و متعاقباً پرداخت ارزش واقعی وجوه مزبور به مشتریان در زمان مطالبه وجه، نیازمند توجه هست؛ بنابراین آیا می‌توان منطبق با روش‌های موجود (تئوری‌های حاکم) نسبت به تعیین، ارزیابی و پرداخت حقوق صاحبان سپرده اقدام نمود؟

۴- در بخش شناخت معاملات و رویدادها در صورت‌های مالی؛ مفاهیم شناخت در بانکداری اسلامی با رویکرد استانداردهای حسابداری ایران و بین‌المللی اختلاف معناداری دارد زیرا به استناد بند الف ذیل ماده ۳۰ استاندارد حسابداری شماره ۳ ایران، در مواردی که بتوان مبلغ درآمد عملیاتی را به گونه‌ای اتکاپذیر اندازه‌گیری نمود و وجود جریان منافع اقتصادی مرتبط به درون واحد تجاری محتمل باشد، سود تضمین شده بر اساس مدت‌زمان و باتوجه به مانده اصل طلب و نرخ مربوط، قابل شناسایی می‌باشد لیکن در مفاهیم حاکم بر بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار در مقایسه با ربا - به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین مشروط بر اینکه قبلاً شرط شده باشد - تفاوت‌هایی اساسی دارد، به‌عنوان مثال میزان سود در بانکداری اسلامی با توافق طرفین تعیین و به نسبت‌های مورد توافق پرداخت می‌شود، ولی در مقوله غیر اسلامی؛ میزان سود مشخص از طرف وام‌دهنده (دائن) مطرح و بر اساس توافق و شرط اولیه، مدیون مکلف به پرداخت سود در سررسید می‌باشد.

در نظام بانکداری سنتی روز دنیا که مبتنی بر تئوری‌های بانکداری غربی است، سپرده‌گذاران وجوه را به بانک قرض داده و بر اساس معیارهای تعیین سود (زمان + نرخ)، فارغ از تمامی مسائل و جوانب، سود مترتب را شناسایی و در سررسید پرداخت می‌نمایند. لیکن در نظام حسابداری بانکداری اسلامی، دارایی‌ها و بدهی‌ها مبتنی بر ضوابط فقهی عام و خاص تعریف و شناسایی شده‌اند که تبعیت از آنها منجر به ایجاد اقتصادی پایدار خواهد شد. رشد اقتصادی بر سودآوری نظام بانکی اثر مثبت و معناداری دارد (خادمی و همکاران ۱۴۰۱).

همچنین در بخش دارایی‌ها به‌موجب فصل سوم از قانون عملیات بانکی بدون ربا (مواد ۷ تا ۱۷)، عمده نیازهای مالی متقاضیان از طریق معاملات و قراردادهای مجاز شرعی تأمین می‌شود و تنها در یک مورد با الهام از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها مجاز به اعطای وام به صورت وجه نقد به متقاضیان اندک‌اند که آن هم به صورت قرض الحسنه و با احتراز کامل از ربا صورت می‌گیرد (همان، ص ۱۴۳)؛ بنابراین در سیستم بانکی

ج.ا.، عقود ۱ می‌بایست از ضوابط فقهی؛ عدم‌اَکل مال به باطل^۲، عدم وجود ربا، عدم وجود غرر^۳، عدم وجود ضرر^۴ و به‌شرط بالغ بودن، رشید بودن، اجازه معامله داشتن، اختیار معامله داشتن و فهم و درک از ماهیت عقد و شکل‌گیری قصد و همچنین مالیت داشتن^۵ به مفهوم معلوم بودن و قابلیت تحویل تبعیت نمایند. علم‌الهدی در مقاله خود ضمن معرفی انواع ریسک در بانکداری اسلامی، میزان ریسک هر یک از عقود رایج در نظام بانکی را مورد بحث و بررسی قرارداد همچنین برای ارائه یک چارچوب کلی برای تشخیص و مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی رهنمودهایی را ارائه کرد. (سادات سلمانی و همکاران، ۱۴۰۰)

بنابراین در نظام حسابداری مبتنی بر بانکداری اسلامی نمی‌توان بر مبنای فعالیت‌های صوری و از طریق سفته‌بازی نسبت به ارائه خدمات بانکی اقدام نمود.

لازم به ذکر است وجود ارتباط بین بخش پولی و حقیقی اقتصاد منجر به آن می‌شود که هر نوع جابه‌جایی پول و اعتبار در بازار پول اسلامی، متناظر و متناسب با جابه‌جایی کالا یا خدمتی در بخش حقیقی اقتصاد صورت پذیرد. این موضوع باعث می‌شود بخش اعتباری صرفاً متناسب با بخش حقیقی اقتصاد رشد و نتواند رشدهای صوری ناشی از سفته‌بازی‌های ناصحیح داشته باشد. در سیستم نظام بانکی ایران ریسک اعتباری و بازده دارایی اثر مستقیم و اندازه بانک، اهرم مالی و نقدینگی اثر منفی بر شاخص کفایت سرمایه دارد. (بهرامی زنوزی و همکاران، ۱۴۰۰)

در بخش بدهی‌ها نیز منابع مشتریان نزد سیستم بانکی امانت بوده و مشتریان مالک اصل و فواید مترتب بر آن می‌باشند؛ بنابراین لازم است ضمن تشریح تئوری‌های خاص حقوق صاحبان سپرده و نحوه عمل آن، امکان انتقال و یا اسباب انتقال منافع مکتسبه به صاحبان سپرده فراهم تا از این طریق هدف اصلی نظام اقتصادی که عدالت می‌باشد محقق شود.

لازم به ذکر است نخستین و مهم‌ترین اصل اساسی در بانکداری اسلامی که روح و ماهیت اسلامی را در آن متجلی می‌سازد و نقطه افتراق قابل توجهی میان این نوع از بانکداری با بانکداری متعارف شکل می‌دهد، اصل بودن عدالت در نظام اقتصاد اسلامی به طور عام و در بانکداری و مالی اسلامی به طور خاص است. به عبارت دیگر، در

۱- عقود اسلامی رایج در سیستم بانکی شامل عقود قرض الحسنه، فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، مضاربه، مشارکت، جعاله، مزارعه، مساقات و خرید دین می‌باشد.

۲- منظور از قاعده «منوعیت اَکل مال به باطل» آن است که در نظام پولی و مالی اسلامی، انتقال اموال از یک فرد به فرد دیگر باید از طریق عقد یا رابطه ای مشروع و قانونی صورت بگیرد و هیچ کس نباید ظالمانه مالک اموال دیگران شود، زیرا در این صورت مشمول خوردن اموال به باطل خواهد شد.

۳- در فقه اسلامی، به معامله ای که در آن نوعی از خدعه یا خطر وجود داشته باشد، معامله غرری گفته می‌شود. فقها از این قاعده در موارد گوناگون استفاده کرده اند؛ مثلاً خطر حاصل از عدم وجود میبع، عدم حصول میبع، مبهم بودن جنس میبع، مبهم بودن نوع میبع، عدم تعیین دقیق مقدار میبع و ... (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ص. ۳۱).

۴- منظور از قاعده لاضرر آن است که در اسلام تنها آن دسته از معاملات مورد تأیید است که اصل معامله، اطلاق یا شرایط آن موجب ضرر یا ضرار فرد دیگری یا جامعه نشود.

۵- منظور از مالیت آن است که میبع و ثمن از ارزش عقلایی برخوردار باشند.

نظام مالی اسلام لازم است تمام روابط و مناسبات در چارچوبی عادلانه تدوین گردند و هرگونه رابطه ای که با معیارهای عدالت ناسازگاری قطعی داشته باشد، نباید استفاده شود.

بنابراین در راستای دستیابی به اهداف مورد انتظار، تدوین چارچوب نظری مناسب و منطبق با مفاهیم فقهی شیعی در رابطه با عقود اسلامی و تشریح نحوه عمل و حدود گزارشگری مالی، تعیین حوزه‌های اهداف صورت‌های مالی، خصوصیات کیفی اطلاعات مالی، عناصر صورت‌های مالی، نحوه شناخت، نحوه اندازه‌گیری و نحوه ارائه اطلاعات، ضروری تشخیص داده شد.

با این وصف و بنا بر ملاحظات پیش گفته هرچند منطبق با مفاهیم حاکم بر بانکداری اسلامی، سپرده‌گذاران دارای حقوقی همانند حقوق صاحبان سهام هستند لیکن نحوه تبعیت آنها از تئوری‌های حاکم بر حقوق صاحبان سهام بررسی و نتایج آن به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱- رویکرد گزارشگری می‌بایست باهدف تولید اطلاعات مفید به منظور جلب نظر سپرده‌گذاران به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی سرمایه بانک باهدف پیاده‌سازی عدالت تغییر نماید.

۲- بهترین روش برای انعکاس حقوق صاحبان سپرده، تبعیت از تئوری مالکیت می باشد.

محدودیت‌ها

نظریات متفاوت فقها، سفته‌بازی، صوری بودن فعالیت‌ها، ضعف‌های قانونی، ضعف در نظارت شرعی، هزینه بر بودن، مقوله ربا، تفارق قلمرو مباحث دینی با مباحث علمی و تعارض میان نظریه‌های اقتصاد اسلامی و نظریه‌های متعارف اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین محدودیت‌ها در این مطالعه شناخته شد.

پیشنهادهایی برای پژوهشات آتی

- بررسی سازوکارهای اجرایی گزارشگری بانک‌ها مبتنی بر قواعد شریعت
- بررسی سازگاری قوانین و مقررات مالیاتی با الزامات استانداردهای گزارشگری مالی بانک‌ها مبتنی بر بانکداری اسلامی
- طراحی چارچوب‌های نظارتی مناسب برای گزارشگری مالی بانک‌ها با رویکرد بانکداری اسلامی

تعرض منافع:

"هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است"

تشکر و قدردانی:

از تمامی مدیران و کارشناسان بانک مرکزی ج.ا.ا و سازمان حسابرسی و شبکه بانکی تشکر و قدردانی نموده و امیدوارم مقاله حاضر بتواند موجب گره‌گشایی از پیاده‌سازی بانکداری به شیوه اسلامی شود.

فهرست منابع

- ۱) رحیمی، رضا، (۱۴۰۰)، ابعاد شناسی چالش‌های پیشروی نهادینه‌سازی نظام بانکداری اسلامی، اولین همایش ملی علوم انسانی و حکمت اسلامی، تهران، صص ۱۸-۲۰.
- ۲) حصارزاده، رضا. (۱۳۹۵). مقایسه استانداردهای حسابداری ملی، بین‌المللی و آمریکایی، ترمه، صص ۵۷-۵۸.
- ۳) پورمحمدی، سید حمید و زارع قاجار، فردوس. (۱۳۹۲). نهادهای مالی بین‌الملل اسلامی، جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر، صص ۱۲۱-۱۲۳.
- ۴) موسویان، سید عباس و میثمی، حسین. (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی - تجارب علمی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا، صص ۸۵-۸۶.
- ۵) شمسعلی زاده، نگار، (۱۴۰۰)، ماهیت جایگاه بانک در نظام اقتصادی و نارسایی‌های ساختار بانکداری بدون ربا در ایران، ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، تهران، صص ۱۷-۱۸.
- ۶) عرفانی، آمنه، (۱۴۰۰)، مفاهیم بانکداری اسلامی و غیراسلامی، کنفرانس سراسری مطالعات و یافته‌های نوین در مدیریت و حسابداری ایران، قم، صص ۱۱۷-۱۱۵.
- ۷) رحمانی، علی؛ گل محمدی، مریم. (۱۳۹۷) شناسایی چالش‌های فنی بکارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS13. فصلنامه مطالعات حسابداری، ۳(۲۵)، صص ۳۸۷-۴۱۴.
- ۸) دادگر، یدالله و ناصر الهی، اکبر کشاورزبان. (۱۳۹۶). عقلانیت و اخلاق - پژوهش‌نامه اقتصادی، صص ۱۱-۱۴.
- ۹) خادمی، سید رضا و همکاران (۱۴۰۱)، بررسی اثرات متغیرهای خاص بانکی و کلان اقتصادی بر سودآوری بانکها (مقایسه مکاتب نئوکلاسیک و پست کنزین)، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۴ / شماره ۵۳ (پیاپی ۵۳) اسفند، صص ۲۴۶-۲۱۳.
- ۱۰) سادات سلمانی، میرحمید و همکاران (۱۴۰۰)، بکارگیری رویکرد دلفی-فازی جهت تعیین عوامل موثر بر سطح مطلوب ریسک، ساختار بهینه سرمایه و کارایی بانک های ایرانی، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، دی، صص ۸۵-۵۵.
- ۱۱) باباجانی، جعفر؛ شکرخواه، جواد. (۱۳۹۱) مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی. بورس اوراق بهادار (۵)۱۷، صص ۱۶۳-۱۹۲.
- ۱۲) سلیمانی امیری، غلامرضا؛ جعفری نسب کرمانی، ندا. (۱۳۹۵). چالش‌های حسابرسی ارزش منصفانه و سایر برآوردها، پژوهش حسابداری ۶(۴)، صص ۱۲۸-۱۴۴.
- ۱۳) بهرامی زنونز، پریمما و همکاران (۱۴۰۰)، عوامل موثر بر نسبت کفایت سرمایه در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، خرداد، صص ۱۶۰-۱۳۷.
- ۱۴) خوشبخت، اسماعیل و همکاران (۱۴۰۱)، دین‌داری، اخلاق حرفه‌ای حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴ / شماره ۱ (پیاپی ۵۳) بهار، صص ۲۳۱.

- 15) Abdul Hamid, Abdul Halim, 2001: A Study on Islamic Banking Education and Strategy for the Millinium Malaysian Experience, International Journal of Islamic Financial Service, Vol. 5, No. 2. pp.63-80
- 16) Ajlouni, Moh'd Mahmoud (2012) Islamic Banks: Legitimacy, Principles and Applications, Third Edition, Dar AlMaseerah. Amman, Jordan. pp. 3-18
- 17) Chapra, Umer, Ahmed, Habib, 2002: Corporate governance in Islamic financial institutions, Islamic development bank, Jeddah.pp.80-94
- 18) Herring, Richard, and Robert Litan, Financial Regulation in the Global Economy, Brookings Institution, 1995. Pp.112-116
- 19) Iqbal,Z, 1997: Islamic financial system :world bank, finance and development.pp.18-19
- 20) Iqbal, M.Ahmad,AKhan,T, 1998: Challenges Facing Islamic Banking, Islamic research and training institute, islamic development bank ,occasional paper no.1.
- 21) Karbhari, Yusuf & Naser, Kamal & Shahin, Zerrin, 2004: Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK, Thunderbird International Business Review, Vol. 46 (5). Pp.14-16
- 22) Kareken, John H. "Ensuring Financial Stability", The Search for Financial Stability: The Past Fiftty Years (San Francisco, Federal Reserve Bank of San Francisco), 1985 .pp.18-20
- 23) Litan, Robert E. What Should Banks Do? , (Washington, D. C.: The Brookings Institution), 1987a. pp.8-10
- 24) Merton, Robert C., & Zvi Bodie, "Deposit Insurance Reform: A Functional Approach", Carnegie Rochester Conference Series on Public Policy, June 1993, 38 .pp.18-21
- 25) Mills, Paul S. and John R. Presley, 1999, Islamic Finance: Theory and Practice, London: Macmillan.pp.15-18
- 26) Obada, Ibrahim AbdelHaleem (2008) Performance Measures in Islamic Banks, Dar Al-Nafa'es. Amman, Jordan. Pp.20-22
- 27) Rahim salem and Muhammad usman, (2021), loan loss provisions and audit quality: evidence from MENA Islamic and conventional banks,the quarterly review of economics and finance 79, pp.346

<https://doi.org/10.30495/fed.2023.1961527.2730>

**Provide a framework for financial reporting of banks in Iran
with an Islamic banking approach**

Morteza Darvishi¹
Reza Nazari²
Bahman Banimahd³
Mehdi Moradzadehfard⁴

Received: 09 / October / 2022 Accepted: 13 / December / 2022

Abstract

Objective: The purpose of this study is to provide a framework for financial reporting of banks in Iran according to the characteristics of the banking system.

Methods: in this research, the qualitative research method and the approach based on Grounded theory have been used. First, by obtaining the opinions of accounting and auditing experts, related managers in the Auditing Organization, the factors affecting the quality of reporting in the Iranian banking system are examined. Finally, a model including causal conditions, intervening factors and context, as well as strategies related to quality, reporting and its consequences are presented.

Results: According to the results of the research, reforming the operating structure of the banking system, reforming the supervisory structure of the central bank, training staff, creating new Islamic tools, applying sharia supervision, amending the law on interest-free banking, creating monetary policy tools in accordance with Sharia and implementing jurisprudential criteria as the most important Background variables and habit, different theories of jurists, speculation, formalities of activities, legal weaknesses, weakness in religious supervision, costly ness, the category of usury, the separation of the realm of religious issues with scientific issues and the conflict between theories of Islamic economics and conventional economic theories. Were identified as the most important inhibitory variables.

Conclusion: the implementation of financial reporting of banks in Iran with the approach of Islamic banking, leads to justice, proper distribution of wealth, performance improvement, job security, compliance with Sharia, proper structure of the banking system, sustainable economic development and finally Islamic ethics.

Keywords: Framework - Financial Reporting of Banks in Iran, Reporting Quality, Background Theorizing

JEL Classification: G24. G21

¹ PhD Student in Accounting, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Mortezadarvishi2775@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

reza239@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

dr.banimahd@gmail.com

⁴ Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

moradzadehfard@yahoo.com

Ecj@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

